



در جست‌وجوی مدل برنامه‌درسی برای رشد سرمایه فرهنگی خانواده موفقیت تحصیلی
فرزندان

In search of a curriculum planning model for the development of
family's cultural capital and academic success of children

H.Mirzabeygin (Ph.D)

دکتر حسنعلی میرزاییگی^۱

چکیده:

Abstract:

The aim of this research is to search for a model for the curriculum planning of the parents' cultural capital growth and to facilitate the children's Progress in school. The statistical population consists of 54 families that are selected randomly from north and south of Tehran who their children were in grade 4 in high school. They were interviewed by professional interviewers and the experimental group participated in a training workshop for introducing families with cultural capital elements. The findings showed that regular training of parents in the level of $P < 0.05$ has had positive effect on the family's cultural capital elements and the children's educational progress. The Implemented Curriculum consists of goals, contents, methods, learning-teaching process, media and evaluation, has contributed considerably to the growth of the cultural capital and to the creation of richer cultural environment for the children's educational success.

Key words: family's cultural capital, curriculum, children education and school achievement.

هدف از این تحقیق جستجوی مدلی برای برنامه درسی رشد سرمایه فرهنگی والدین تسهیل موفقیت تحصیلی فرزندان است. جامعه آماری پژوهش ۵۴ خانواده به صورت تصادفی در دو منطقه شمال و جنوب تهران و فرزندان آنها که در چهار دبیرستان دولتی دخترانه و پسرانه مشغول تحصیل بودند، انتخاب شدند. آنها توسط مشاوران متخصص مورد مصاحبه قرار گرفتند و گروه تجربی در یک کارگاه آموزشی ۱۰ ساعته آموزش خانواده باهدف رشد و یادگیری مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی، شرکت کردند. یافته‌های حاصل نشان داد که آموزش منظم به والدین در سطح $(p < 0/05)$ بر مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی خانواده و پیشرفت تحصیلی فرزندان تأثیر مثبت داشته است و برنامه درسی اجراشده مشتمل بر، هدف‌ها، محتوا، روش‌ها و فرایند یاددهی-یادگیری، رسانه‌ها و ارزشیابی توانسته است به رشد سرمایه فرهنگی و ایجاد فضای فرهنگی غنی‌تر برای موفقیت تحصیلی فرزندان کمک کند.

کلیدواژه‌ها : سرمایه فرهنگی خانواده، برنامه درسی، فرزندپروری و موفقیت تحصیلی..

مقدمه

بسیاری از مطالعات، موفقیت تحصیلی و شغلی را تحت تأثیر خاستگاه خانوادگی و تجارب تحصیلی افراد می‌دانند. و بر نقش خانواده و ساختار و منابع خانواده که شامل سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود، تأکید می‌کنند. جریان تربیت کودک برای والدین لذت‌بخش و درعین حال با مشقت‌ها و ناراحتی‌های فراوانی همراه است (لیلی و ایرادلی، ۱۹۹۶) علی‌رغم سرمایه‌گذاری قابل توجه خانواده و نظام دولتی در آموزش و پرورش، بازدهی در نظام آموزش و پرورش مطلوب نیست. نرخ بالای مردودی و به‌خصوص افت تحصیلی در پایه اول متوسطه، فراوان است. همچنین وضعیت سرمایه فرهنگی والدین نیز از عوامل بسیار مهم در ارتقاء کیفیت دانش آموزان قلمداد می‌شود به طوری که سرمایه فرهنگی پایین خانواده، کیفیت تحصیلی دانش آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد لذا خانواده‌هایی که دارای سرمایه فرهنگی پایین هستند، نه تنها انگیزه آموختن را از فرزندان خود می‌گیرند؛ بلکه توانایی‌های جسمی و ذهنی برای آموختن را از فرزندان خود می‌گیرند و تحت تأثیر قرار می‌دهند. (لاریو و وینینگر، ۲۰۰۳).

استدلال بورديو، جامعه‌شناس فرانسوی، در بحث از فرهنگ که در حال حاضر مواد اصلی کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش را تشکیل می‌دهد، توجه محققان را به فرهنگ به‌عنوان منبع و سرمایه‌ای که قابلیت انحصار و انتقال در بین نسل‌ها دارد و نقش مهمی در دسترسی به پاداش‌های کمیاب ایفا می‌نماید، معطوف نموده است (لاریو و وینینگر، ۲۰۰۳).

بورديو سه نوع عمده سرمایه را معرفی می‌کند که می‌تواند موفقیت‌های تحصیلی دانش آموزان را تحت تأثیر قرار دهد؛ نخست، سرمایه اقتصادی که شامل دستمزد یا دیگر انواع دارایی‌های مادی مثل حجم سرمایه و دارایی می‌شود و به‌صورت سرمایه‌گذاری مستقیم مثل پرداخت شهریه آموزشی و ثبت‌نام در نهادهای آموزشی معتبر مورد استفاده دانش آموز قرار می‌گیرد یا به‌صورت غیرمستقیم در قالب کمک‌های مالی به فرزندان برای ارتقای عملکرد تحصیلی آن‌ها نقش دارد. دوم، سرمایه اجتماعی است که می‌تواند به‌صورت مستقیم در موفقیت تحصیلی دانش آموزان در برخی آموزش‌ها (مثلاً در رشته‌های فنی) که دانش آموزان برای تکمیل موفقیت خود نیاز به موقعیت‌های کارآموزی دارند، دارای اهمیت باشد. سوم، سرمایه فرهنگی است که شامل آموزش و دانش، ذائقه‌ها و ترجیحات والدین و اطلاعات خاص آن‌ها از سیستم آموزشی (جی‌گر و

¹ Lilly withe , H.S. &BRADLY

² Lareau, A. Weninger,

در جست‌وجوی مدل برنامه‌درسی برای رشد...

هولم، ۲۰۰۷)، تحصیلات رسمی (دیماجیو، ۱۹۸۲)، تعاملات فرهنگی فضای خانواده (ترامونت و ویلیامز، ۲۰۰۹) است.

نکته‌اساسی در بحث سرمایه فرهنگی، این است که سرمایه (به‌استثنای سرمایه فرهنگی عینی) به ارث نمی‌رسد، بلکه به‌طور ضمنی و در طی فرآیند جامعه‌پذیری انتقال پیدا می‌کند. تحقیقات متعدد نشان می‌دهد پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزانی که والدین آن‌ها افرادی آگاه و آموزش‌دیده هستند و بهتر به راهنمایی آن‌ها می‌پردازند بیشتر است. در تحقیقی که به‌وسیله «لیتل و همکارانش (۱۹۷۳) انجام شده است، تفاوت دانش‌آموزان از لحاظ سن، سطح تحصیلات والدین و پایداری خانوادگی آن‌ها، موردبررسی قرار گرفته است. محققان به این نتیجه رسیده‌اند که پیشرفت کودکانی که والدین باسواد و آموزش‌دیده داشته‌اند بیشتر بوده است.

تحقیق دیگری در زمینه روش‌های تربیتی والدین و پیشرفت تحصیلی فرزندان توسط «ریموند کتل» و «دیلمن بارتن» انجام شده است هدف این تحقیق بررسی این نکته بوده است که آیا رفتار والدین در پیشرفت تحصیلی فرزندان مؤثر است یا نه؟ نتیجه کلی تحقیق این بود که اولاً رفتار والدین با فرزندان در قدرت‌های شناختی از جمله در پیشرفت تحصیلی مؤثر است. ثانیاً سختگیری و محبت بیش از حد والدین به فرزندان، موجب عقب‌ماندگی تحصیلی آن‌ها می‌شود (آرمند، ۱۳۷۲).

در ضمن مینوچین^۱ بر این باور است که، «فرد بدون خانواده، قابل‌تعریف نیست. در واقع خانواده کانون شکل‌گیری و هویت فرد است» (همان: ص ۲۹). باقر ثنائی نیز معتقد است، «انسان عمدتاً وارث برنامه‌ریزی‌های خودآگاه و ناخودآگاه خانواده و برون‌سازی‌های دوران کودکی خود با آن‌هاست» (همان: ص ۲۱). ماکس هورکهایمر^۲ معتقد است که «از میان تمام نهادهای اجتماعی که فرد را برای قبول اقتدار (دیکتاتوری در سطح جامعه) آماده می‌سازد، خانواده در مقام اول قرار دارد.» (اعزازی، ۱۳۷۶؛ ص ۲۰)

سرمایه فرهنگی^۳ اصطلاحی جامعه‌شناختی است و از زمانی که پی‌یربورديو در سال ۱۹۷۳ آن را مطرح ساخت، کاربرد گسترده‌ای پیدا کرد. انتقال هنجارها و ارزش‌های فرهنگی از نسلی به نسل دیگر را بازتولید فرهنگی گویند. بازتولید فرهنگی به مکانیسم‌هایی اطلاق می‌شود که به‌وسیله آن‌ها تجربه فرهنگی در طول زمان استمرار می‌یابد. فرایندهای تعلیم و تربیت در جوامع امروزی

¹ Salvador Minuchin

² Max Horkheimer

³ Cultural Capital

از جمله مکانیسم‌های اصلی بازتولید فرهنگی‌اند و تنها از طریق آنچه در دوره‌های آموزشی رسمی آموخته می‌شود، عمل نمی‌کنند. بازتولید فرهنگی به شیوه‌های ژرف‌تر از طریق برنامه‌های پنهان (جنبه‌های رفتاری که افراد به شیوه‌های غیررسمی در مدرسه می‌آموزند) صورت می‌گیرد. بر طبق نظریه بازتولید فرهنگی بوردیو، خانواده‌هایی با فرهنگ بالا یا با فرهنگ پائین، توانایی‌ها، مهارت‌ها، روش‌ها و سلیقه‌هایی را ایجاد می‌کند که در عرصه آموزش از ارزش بسیاری برخوردار است. در تئوری بوردیو، کارکرد واقعی مدرسه تنها انتقال دانش نیست، بلکه تولید و بازتولید نظام موجود نابرابری‌های اجتماعی است، لذا تنها بچه‌های طبقه بالای جامعه این امکان را دارند که به راحتی بتوانند امتیازات فرهنگی‌شان را لمس کنند (تاج‌بخش ۱۳۸۴: ص ۱۴۳). وجه مشخصه در بررسی سرمایه فرهنگی به عنوان عامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی افراد وجود یا عدم وجود این سرمایه در داخل خانواده و یا در محیط زندگی و بازتولید آن‌ها از طریق فرزندان است. سه منبع عمده سرمایه فرهنگی از نظر بوردیو عبارت‌اند از: پرورش خانوادگی، آموزش رسمی و فرهنگ شغلی. انباشت سرمایه فرهنگی در افراد از طریق این سه منبع سبب بروز تفاوت‌هایی در دارندگان سرمایه فرهنگی و کسانی که فاقد آن هستند، می‌شود.

ویژگی بارز سرمایه فرهنگی بوردیو تحلیل سازوکار موفقیت‌های تحصیلی با توجه به میزان برخورداری گروه‌ها و طبقات اجتماعی از این سرمایه است. دانش‌آموزانی که سرمایه فرهنگی بیشتری دارند (دانش‌آموزان متعلق به خانواده‌هایی که مهارت‌های برتری‌های فرهنگی مسلط را در اختیار دارند) بهتر می‌توانند قواعد بازی را رمزگشایی کنند و بهتر می‌توانند مهارت‌ها و برتری‌های فرهنگی را که در مدارس پاداش می‌گیرند در خود پرورش دهند و بنابراین بهتر می‌توانند به سطوح بالاتر تحصیلی راه یابند. بر این اساس، طبقات مسلط نسبت به سایر طبقات سهم بیشتری از سرمایه فرهنگی می‌برند و لذا بیشتر قادر خواهند بود که این نوع سرمایه را در فرزندان‌شان به ودیعه بسپارند. با افزایش سرمایه فرهنگی در نزد طبقات متوسط، عملکرد تحصیلی فرزندان افزایش می‌یابد. (خدایی، ۱۳۸۵)

سرمایه فرهنگی از نظر بوردیو شامل سلیقه‌های خوب، شیوه راه و رسم پسندیده، پیچیدگی شناختی، شناختن و توانایی پذیرش محصولات فرهنگی مشروع از قبیل موسیقی، تئاتر و ادبیات است. پرورش خانوادگی، آموزش رسمی و فرهنگ شغلی سه منبع در افراد است که باعث تفاوت بین دارندگان و افراد فاقد این سرمایه می‌شوند (بوردیو، ۱۹۸۴ ص ۲۱۱) شناختن و توانایی پذیرش محصولات فرهنگی ناشی از تفاوت در قریحه است که نزد بوردیو، اهمیت فراوانی دارد.

بر این اساس این فرض در ذهن شکل می‌گیرند که والدینی که از سرمایه‌های فرهنگی پایین‌تری برخوردارند، فضاهای فرهنگی سطح پایین‌تری را در خانه تولید خواهند کرد. در چنین فضاهایی نمی‌توان انتظار شناخت، رشد و شکوفا شدن استعدادها و بارور شدن خلاقیت‌های فرزندان را داشت. هم‌چنین خانواده‌هایی که فضاهای فرهنگی بد یا ناسالمی داشته باشند، احتمال بیشتری برای داشتن فرزندان ناسالم ایجاد می‌کند.

پژوهش‌های انجام‌شده (بهرامی، ۱۳۸۷) نشان داده است که سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان با الگوهای فرزندپروری قاطع و اطمینان‌بخش بیش از سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان با الگوهای فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیر است. به‌علاوه سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان با تحصیلات پدر رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. نتایج نشان داده‌اند، افزایش اطلاعات پدران باعث آگاهی آن‌ها نسبت به سبک تربیت در مورد فرزندان‌شان و این موضوع منجر به در پیش گرفتن سبک تربیتی بهتر در آنان می‌شود.

هم‌چنین در پژوهش دیگری (منادی، ۱۳۸۶) بررسی سرمایه‌های فرهنگی و فضاهای فرهنگی و سبک زندگی خانواده‌ها نشان داده‌شده که ۱۶ درصد والدین دارای سرمایه فرهنگی بالا و ۴۱ درصد متوسط و ۴۳ درصد پایین بودند. در هر دسته اکثریت آن‌ها، فضاهایی مطابق با سرمایه‌های فرهنگی خود تولید کرده‌اند. تحقیقات نشان می‌دهند که در بین عوامل مختلفی که در پرورش و شخصیت سالم در کودکان و نوجوانان مؤثرند تأثیر متقابل کودک و والدین و نحوه برخورد و ارتباط والدین و کودک از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین عوامل محسوب می‌شود. (نوابی نژاد، ۱۳۷۰)

از جمله متغیرهایی که در ارتباط با شیوه‌های فرزند پروری مورد توجه و بررسی محققان و پژوهشگران روان‌شناسی و متخصصین تربیتی قرار گرفته است می‌توان به رشد اجتماعی (مهرابی، ۱۳۷۶)، سازگاری اجتماعی، عزت‌نفس و خودکنترلی (برک، به نقل از مارسل، ۱۹۹۷) نیز (حسینیان آقا ملکی، ۱۳۷۶)، بلوغ شخصیتی (لامبورن و همکاران ۱۹۹۱، به نقل از لیل آبادی، ۱۳۷۵)، انگیزش (پیزو، ۱۹۹۳، گلیسون و دیگران ۳ به نقل از شارون و همکاران ۱۹۹۷) خودتنظیمی (ملک مکان، ۱۳۷۸) و مکان کنترل، رشد اخلاقی، اضطراب و هوش (برندت، ۱۹۹۷ به نقل از مهر افروز ۱۳۷۸) اشاره نمود در همین رابطه نتایج تحقیقات دوبینس^۳ (۲۰۰۶)، برومند نسب (۱۳۷۳) مهر افروز (۱۳۷۸) و پور عبدلی و همکاران (۱۳۸۷) نشان می‌دهد والدینی که

1. Lamborn and et al 1-

2. Pizoo, gleason-²

3. dobbines-³

انتظارات درونی بیشتری از فرزند خود داشته و از نظر سطح پاسخ‌گو بودن (گرمی، پذیرش و تعهد) و درخواست‌کنندگی (کنترل و نظارت) در سطح بالایی باشند و به شیوه اقتدار منطقی با فرزندان خود رفتار نمایند، فرزندان با توان کنترل درونی بیشتر تربیت می‌کنند.

بر اساس نظریه بامریند (۱۹۹۱)، سبک‌های فرزند پروری به‌عنوان واسطه بین متغیرهای هنجاری آنان و جامعه‌پذیری فرزندان عمل می‌کند و با شایستگی‌های اجتماعی رابطه دارد. همچنین (کوریدو، وارنر و ایبرگ، ۲۰۰۲) نشان دادند که بین سبک‌های فرزند پروری مقتدر با سازمان‌دهی، پیشرفت تحصیلی و جهت‌گیری عقلانی در کودکان رابطه مثبت وجود دارد همچنین تحقیقات نشان داده است که نوجوانانی که والدین خودکامه دارند کمتر متکی به خود هستند و نمی‌توانند به‌تنهایی کاری انجام دهند یا از خود عقیده‌ای داشته باشند شاید به این دلیل که به‌قدر کافی فرصت نداشته‌اند که عقاید خود را بیازمایند یا مستقلانه مسئولیت قبول کنند (آلدر، ۱۹۸۰ و لوئیس، ۱۹۸۲) در ضمن این نوجوانان اعتماد به نفس کمتر و استقلال و خلاقیت کمتری دارند، ذهن کنجکاوی ندارند، از لحاظ رشد اخلاقی کمتر رشد یافته‌اند و در برخورد با مشکلات روزمره عملی، تحصیلی و ذهنی انعطاف‌پذیری کمتری دارند. پژوهش‌های انجام‌گرفته در این زمینه در سال‌های اخیر رشد قابل‌توجهی را نشان می‌دهد، که دلایل آن را می‌توان اهمیت روزافزون این موضوع در جوامع، علاقه‌مندی پژوهشگران به بررسی روابط انسانی و تهیه مقیاس‌های روان‌سنجی مرتبط داشت اما بیشتر پژوهش‌ها معطوف به شیوه تربیتی مادران و دوران کودکی بوده است و به دوران نوجوانی کمتر توجه شده است. از طرفی خانواده یک متغیر فرهنگی، اجتماعی و محیطی است که اثر تعیین‌کننده‌ای در اکثر فرایندهای روانی تربیتی دارد. شناخت این متغیرها و بررسی آن‌ها نیز مهم و اساسی است؛ لذا شایسته است در این حوزه بررسی و تحقیق بیشتری صورت گیرد.

توجه به نقش خانواده، ضرورت مطالعات و پژوهش‌های مستمر علمی را در حوزه مسائل خانواده و آموزش و پرورش نمایان می‌سازد. نحوه تعامل خانه و مدرسه از دیرباز موضوع مشترک خانواده و نظام آموزش و پرورش بوده است. شاید بتوان گفت عدم اهتمام و توجه لازم به این امر سبب بروز مسئله‌های فراوانی برای هر دو نهاد در سال‌های اخیر گردیده است. در این رابطه فریمو^۳ می‌گوید: "اثر خانواده بر اشخاص از تمام نیروهایی که تا به حال شناخته شده، بیشتر است.

¹ Querido, warner, eyberg

² Alder, loeis

³ ferimo

یعنی اثر خانواده فراتر از فرهنگ جامعه، دنیای کار، دوستان، نزدیکان و امثال آن‌هاست." (ثنائی، ۱۳۷۸: ص ۲۶).

برگزاری کلاس‌های آموزش خانواده، که باهدف نزدیک کردن روش‌های تربیتی والدین و مربیان و درنهایت تغییر در رفتار آنان صورت می‌گیرد، حائز اهمیت است. تحقیقات نشان داده است که فرزندان والدینی که در این جلسات شرکت می‌کنند، مشکلات رفتاری کمتر و پیشرفت درسی و فرهنگی بیشتری پیدا می‌کنند (هورنبای، ۲۰۰۰).

به‌طورکلی این پژوهش قصد دارد به بررسی این پرسش بپردازد که سرمایه فرهنگی والدین چه رابطه‌ای با پیشرفت تحصیلی فرزندان دارد. و آیا رشد سرمایه‌های فرهنگی از طریق آموزش امکان‌پذیر است؟ درواقع سؤال اساسی این پژوهش این است که آیا برنامه‌درسی آموزش خانواده برای رشد سرمایه فرهنگی و تسهیل موفقیت تحصیلی فرزندان، آموزش اثربخشی است؟ و آیا بین شیوه‌های فرزندپروری و پیشرفت تحصیلی فرزندان رابطه وجود دارد یا نه و بالاخره برنامه‌درسی اثربخش برای این منظور کدام است؟

اهداف تحقیق

۱. بررسی تأثیر آموزش خانواده بر ارتقای آگاهی‌های خانواده مربوط به نقش و اهمیت فعالیت‌های (هنری، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش و زبان خارجی).
۲. بررسی تأثیر آموزش خانواده بر بهبود رابطه خانواده با محصولات فرهنگی (کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوتر، رسانه‌ها و دوربین).
۳. ارزیابی تأثیر آموزش خانواده بر تمایل والدین به اخذ مدارک تحصیلی بالاتر و اخذ گواهینامه‌های معتبر مهارت.
۴. ارزیابی تأثیر برنامه‌درسی آموزش خانواده بر شیوه‌های فرزندپروری و موفقیت تحصیلی فرزندان.
۵. ارائه مدل برنامه‌درسی آموزش خانواده برای رشد سرمایه فرهنگی و موفقیت تحصیلی فرزندان

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به اینکه هدف اصلی این پژوهش جست‌وجوی مدلی برای برنامه‌درسی مؤثر بر سرمایه فرهنگی خانواده و پیشرفت تحصیلی است، روش پژوهش از نوع شبه تجربی، مطالعات همبستگی و توصیفی است که در آن از شیوه جمع‌آوری پیمایشی استفاده شده است. در جلسه‌ای با هماهنگی انجمن اولیا و مربیان، اهداف برنامه تشریح و نهادن تقویم اجرایی کارگاه آموزشی ۱۰

ساعته مورد توافق قرارگرفت و گروه تجربی آموزش دیدند و گروه گواه آموزشی دریافت نکردند. پرسشنامه مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی و الگوهای فرزندپروری در دو مرحله پیش و پس‌آزمون اجرا شد.

تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌های این پژوهش به کمک نرم‌افزار SPSS انجام‌گرفته است. به‌منظور توصیف داده‌ها از روش آمار توصیفی (از قبیل میانگین، فراوانی و انحراف معیار و واریانس و در سطح آمار استنباطی از تحلیل کوواریانس)، و به‌منظور آزمون فرض‌های پژوهش از ضریب رگرسیون چند متغیره، آزمون تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی توکی استفاده شد.

حجم نمونه

حجم نمونه ما ۵۴ نفر از والدین دانش‌آموزان دوره متوسطه در دو منطقه شمال و جنوب تهران می‌باشند. در هر دوره ۲۷ نفر از والدین در گروه آزمایشی و ۲۷ نفر دیگر را گروه کنترل قرار داده شدند. در گروه آزمایش و کنترل ۱۳ نفر پدر و ۱۴ نفر مادر قرار گرفتند. سپس برای مطالعه دانش‌آموزان دبیرستانی آن خانواده‌ها، انتخاب شدند.

ابزارها

ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها شامل دو پرسشنامه و معدل سالانه دانش‌آموز به‌عنوان ملاک پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است.

۱- پرسشنامه ۳۰ سؤالی: شیوه‌های فرزند پروری (بامریند) اساس قرار گرفت که فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است و توسط دینا بامریند (۱۹۷۳) طراحی و ساخته شده است. این پرسشنامه توسط حسین پور (۱۳۸۱)، ترجمه‌شده است و پس از تحلیل عاملی مشخص شد که پرسش‌های شماره ۲۸، ۱۴، ۱۳ و ۲۶ روی هیچ عاملی بار نمی‌شوند در نتیجه پرسش‌های مذکور حذف شدند. این پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری والدین را در سه عامل اندازه‌گیری می‌کند. جمله‌های شماره ۲۸، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴ به شیوه سهل‌گیرانه و جمله‌های شماره‌های ۲۶، ۲۵، ۱۶، ۱۲، ۹، ۷، ۲، ۲۹ به شیوه استبدادی و جمله‌های ۳۰، ۲۷، ۲۳، ۲۲، ۲۰، ۱۵، ۱۱ به شیوه قاطع و اطمینان‌بخش مربوط است؛ که در مقابل هر عبارت ۵ ستون (کاملاً موافقم تا حدودی موافقم، تاحدوی مخالفم، کاملاً مخالفم) به ترتیب از ۰ تا ۴ نمره‌گذاری شده است که با جمع نمره‌های سؤال‌های مربوط به هر شیوه و تقسیم آن بر تعداد سؤالات نمره مجزا

به دست می‌آید. روایی و پایایی این پرسشنامه تأییدشده است بورای^۱ (۱۹۹۱) برای بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه از روش (افتراقی)^۲ استفاده نمود و مشاهده کرد که شیوه‌استبدادی رابطله منفی با سهل‌گیری ($r=0/38$) و اقتدار منطقی ($r=0/48$) دارد؛ و شیوه‌سهل‌گیری رابطه‌معنی‌داری با شیوه‌اقتدار منطقی او نداشت ($r=0/7$) (مهرفروز، ۱۳۷۸).

بورای (۱۹۹۱) برای محاسبه پایایی از روش (باز آزمایی)^۳ استفاده کرد و نتایج زیر را به دست آورد. ۰/۸۱ برای شیوه‌سهل‌گیرانه، ۰/۸۶ برای شیوه‌استبدادی، ۰/۷۸ برای شیوه‌اقتداری. او همچنین ثبات درونی را با استفاده از فرمول (آلفای کرونباخ^۴) محاسبه نمود که ۰/۷۵ برای شیوه‌سهل‌گیری ۰/۸۵ برای شیوه‌استبدادی و ۰/۸۲ برای شیوه‌اقتدار منطقی به دست آورد (مهرفروز، ۱۳۷۸).

در انستیتو روان‌پزشکی ایران نیز اسفندیاری (۱۳۷۴) فرم اصلی پرسشنامه را ترجمه و اصلاحات لازم را در آن صورت داد. سپس از تعداد ۱۰ نفر صاحب‌نظر در زمینه روان‌شناسی و روان‌پزشکی (۲ نفر دکترای روان‌شناسی، یک نفر روان‌پزشک، ۲ نفر کارشناسی ارشد روان‌شناسی، ۲ نفر دانشجوی دوره کارشناسی ارشد و ۳ نفر کارشناس روان‌شناسی) خواسته شد تا میزان اعتبار هر جمله را با زدن علامت مشخص نمایند و در صورت لزوم نظر اصلاحی خود را نیز بیان نموده و جمله پیشنهادی خود را اضافه نمایند. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که پرسشنامه مذکور دارای روایی (اعتبار) صوری است پرسشنامه در دو مرحله پیش و پس‌آزمون اجرا شد.

۲- پرسشنامه سرمایه فرهنگی، این پرسشنامه که محقق ساخته است و دارای ۴ گویه است که مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی خانواده را از قبیل میزان علاقه‌مندی به شرکت در فعالیت‌های هنری، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش و زبان خارجی، بهبود رابطه با کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوتر، رسانه‌ها و دوربین، تمایل به اخذ مدارک تحصیلی بالاتر و اخذ گواهینامه‌های معتبر مهارتی، شیوه‌های فرزندپروری را اندازه‌گیری می‌کند. این پرسشنامه از نظر روایی و پایایی ارزیابی شد. همچنین در این پژوهش از معدل کل دانش‌آموزان در پایان سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ به‌عنوان ملاک پیشرفت تحصیلی استفاده شد.

¹ Burai

² discriminant

³ test retest

⁴ Cronbach coefficient alpha

روایی و پایایی ابزار

در این پژوهش، برای بررسی روایی ابزار، پرسشنامه‌ای تدوین شد که برخی از گویه‌های آن در تحقیقات پیشین مورد آزمون قرار گرفته و اعتبار آن‌ها تأیید شده بود. علاوه بر این، گویه‌های جدید توسط کارشناسان و متخصصان تجدیدنظر و اصلاح شدند. در نتیجه، گویه‌هایی انتخاب شدند که از توافق ضمنی در میان داوران برخوردار بودند. به منظور سنجش پایایی پرسشنامه، از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون آماری T نمونه‌های مستقل و سطح معنی‌دار (sig) استفاده شده است.

شیوه اجرا

گروه تجربی، در کارگاه آموزشی ۱۰ ساعته در سه جلسه به صورت گروه‌های پنج‌نفره سازمان‌دهی شدند. محتوای دوره به شیوه فعالیت محور (۴۵ درصد فعالیت مدرس و ۵۵ درصد فعالیت شرکت‌کنندگان) آموزش داده شد. پرسشنامه‌ها در دو مرحله پیش و پس از آزمون توزیع و اجرا شد. (برنامه درسی اجرا شده محفوظ است)

نتایج و یافته‌های پژوهش:

جدول شماره ۱ توزیع فراوانی و درصد میزان آشنایی والدین با زبان خارجی

مادر		پدر		موارد
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۸۹/۶	۲۶	۷۲	۱۸	عدم آشنایی
۷	۲	۲۰	۵	آشنایی نسبی به یک‌زبان خارجی
۳/۴	۱	۸	۲	آشنایی بادوزبان خارجی
۱۰۰	۲۹	۱۰۰	۲۵	جمع

یافته‌ها نشان می‌دهد ۷۲ درصد پدران و ۸۹/۶ درصد مادران با هیچ‌یک از زبان‌های خارجی آشنایی ندارند. ۲۰ درصد پدران و ۷ درصد مادران تا حدی با یک‌زبان خارجی و فقط ۸ درصد پدران و ۳/۴ مادران با دو زبان خارجی آشنایی دارند.

جدول شماره ۲ توزیع فراوانی و درصد میزان عضویت والدین در کتابخانه‌ها

مادر		پدر		موارد
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۸۶	۲۵	۸۰	۲۰	اصلاً عضو نیستند
۷	۲	۱۲	۳	عضویت در یک کتابخانه
۷	۲	۴	۱	عضویت در دو کتابخانه
۰	۰	۴	۱	عضویت در سه کتابخانه و بیشتر
۱۰۰	۲۹	۱۰۰	۲۵	جمع

در جست‌وجوی مدل برنامه‌درسی برای رشد...

یافته‌ها نشان می‌دهند که ۸۰ درصد پدران و ۸۶ درصد مادران در هیچ کتابخانه‌ای عضویت ندارند. ۱۲ درصد پدران و ۷ درصد مادران در یک کتابخانه و ۴ درصد پدران و ۰ درصد مادران در سه کتابخانه و بیشتر عضویت دارند.

جدول شماره ۳ توزیع فراوانی میزان بازدید از اماکن و آثار تاریخ و موزه‌ها

موارد	فراوانی	درصد
صفر	۲۷	۵۰
یک تا دو بار	۲۰	۳۷
سه تا چهاربار	۵	۹
پنج بار و بیشتر	۲	۴
جمع	۵۴	۱۰۰

یافته‌های پژوهش می‌دهند که ۵۰ درصد خانواده‌ها تاکنون از هیچ‌یک از آثار تاریخی و یا موزه‌ها بازدید نداشته‌اند. ۳۷ درصد یک یا دو بار، ۹ درصد سه تا چهار بار و ۴ درصد پنج بار و بیشتر بازدید داشته‌اند.

جدول شماره ۴ توزیع فراوانی میزان فعالیت در برنامه‌های هنری و...

نوع برنامه	فراوانی	درصد
عدم فعالیت و حضور	۸	۱۵
شرکت و حضور در یک فعالیت (زبان، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش)	۲۲	۴۰
فعالیت در بیش از یک برنامه	۲۴	۴۵
جمع	۵۴	۱۰۰

یافته‌ها نشان داده‌اند که ۱۵ درصد خانواده‌ها در هیچ‌یک از فعالیت‌های فوق‌برنامه حضور نداشته‌اند و ۴۰ درصد آنان در یک یا چند فعالیت شرکت داشته‌اند و ۴۵ درصد در بیش از یک برنامه حضور داشته‌اند.

جدول شماره ۵ توزیع فراوانی میزان برخورداری از تجهیزات فرهنگی

تجهیزات فرهنگی		دارند		ندارند	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	درصد
کامپیوتر	۳۵	۶۹	۱۹	۷	
خط اینترنت	۳۰	۵۹	۲۴	۴۵	
رسانه‌های تصویری	۵۴	۱۰۰	۰	۰	
موبایل	۵۴	۱۰۰	۰	۰	
دوربین	۵۱	۹۵	۳	۵	

یافته هانشان داده است که ۶۹ و ۵۹ و ۱۰۰ و ۱۰۰ و ۹۵ درصد خانواده‌ها به ترتیب از تجهیزات فرهنگی برخوردار بوده و ۷ درصد کامپیوتر، ۴۵ درصد خط اینترنت، و ۵ درصد دوربین ندارند.

جدول شماره ۶ توزیع فراوانی میزان سرمایه فرهنگی خانواده‌ها

موارد	فراوانی	درصد
پایین	۱۴	۲۶
متوسط	۳۰	۵۶
بالا	۱۰	۱۸
جمع	۵۴	۱۰۰

برای محاسبه و تعیین سرمایه فرهنگی، ابتدا Z هریک از شاخص‌های فوق محاسبه و حاصل جمع آن بر تعداد شاخص‌ها تقسیم شده است. در واقع میزان سرمایه فرهنگی خانواده‌ها، معدل تمامی شاخص‌های فرهنگی ارائه شده است. ملاحظه می‌شود ۲۶ درصد در حد پایین و ۵۶ درصد در حد متوسط و ۱۸ درصد در حد بالا می‌باشند.

جدول شماره ۷ مقایسه توزیع تجربی با توزیع نرمال

Tailed p	K-SZ	Negative	Positive	Absolute	ابعاد آموزش خانواده (سرمایه فرهنگی)
۰/۰۰۰	۳/۶۲۳۴	-۰/۳۴۷۰	۰/۲۴۰۱	۰/۳۴۷۰	ارتقاء آگاهی‌های مربوط به نقش و اهمیت فعالیت‌های (هنری، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش و زبان خارجی)
۰/۰۰۰	۲/۵۷۷۳	-۰/۲۴۶۸	۰/۱۶۵۹	۰/۲۴۶۸	بهبود رابطه با کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوتر، رسانه‌ها، دوربین)
۰/۰۰۰	۲/۵۰۰۲	۰/۲۳۹۴	۰/۱۶۴۱	۰/۲۳۹۴	مدارک تحصیلی و گواهینامه‌های معتبر
۰/۰۰۰	۲/۸۳۹۶	-۰/۲۷۱۹	۰/۱۸۴۹	۰/۲۷۱۹	شیوه‌های فرزند پروری

بر اساس آزمون کالموگراف - اسمیرنف با توجه به اینکه آماده K - S Z از احتمال دو دامنه $P < 0.05$ معنادار است بنابراین توزیع نمرات در خصوص علاقه‌مندی خانواده‌ها به فعالیت‌های هنری، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش و زبان خارجی، بهبود رابطه با کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوتر و رسانه‌ها، دوربین، مدارک تحصیلی و گواهینامه‌های معتبر مهارت و شیوه‌های فرزندپروری از توزیع نرمال پیروی نمی‌کند. به عبارت دیگر K - S محاسبه شده در سطح معنی‌داری ۹۵٪ از مقدار بحرانی جدول بیشتر است بنابراین بین توزیع نمرات با توزیع نرمال تفاوت وجود دارد. لذا در تجزیه و تحلیل آمار استنباطی مجموع نمرات هر یک از ابعاد به رتبه تبدیل گردیده و از آزمون‌های ناپارامتریک U مان ویتنی و کروسکال - والیس استفاده شده است.

جدول شماره ۸: مقایسه میانگین رتبه ابعاد آموزش خانواده در دو گروه آموزش‌دیده و آموزش‌ندیده

ردیف	ابعاد آموزش خانواده	آموزش‌دیده میانگین رتبه	آموزش‌ندیده میانگین رتبه	P	Z
۱	ارتقاء آگاهی‌های مربوط به نقش و اهمیت فعالیت‌های (هنری، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش و زبان خارجی)	۶۹/۰۳	۴۱/۲۳	۰/۰۰۰	-۵/۱۵۷۴
۲	بهبود رابطه با کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوتر، رسانه‌ها، دوربین	۷۰/۴۹	۳۹/۳۵	۰/۰۰۰	-۵/۴۹
۳	مدارک تحصیلی و گواهینامه‌های معتبر	۶۵/۷۵	۴۴/۴۵	۰/۰۰۰	-۳/۷۱۴
۴	شیوه‌های فرزند‌پروری	۷۰/۴۱	۳۹/۸۷	۰/۰۰۰	۵/۳۰۰۴

بر اساس آزمون U مان - ویتنی با توجه به اینکه Z محاسبه‌شده در خصوص «علاقه‌مندی خانواده‌ها به فعالیت‌های هنری، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش و زبان خارجی، بهبود رابطه با کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوتر و رسانه‌ها، دوربین، مدارک تحصیلی و گواهینامه‌های معتبر مهارت و شیوه‌های فرزندپروری در سطح $P < 0.05$ معنادار بوده است. بنابراین بین میانگین رتبه نمرات والدین آموزش‌دیده و آموزش‌ندیده تفاوت وجود دارد. به عبارت دیگر میانگین رتبه نمرات والدین آموزش‌دیده بیشتر از والدین آموزش‌ندیده، بوده است. پس میزان تأثیر آموزش خانواده بر تغییر رفتار والدین نسبت به فرزندان خود در بین والدین آموزش‌دیده بیشتر از والدین آموزش‌ندیده است و فرضیه‌های اول تا ششم تأیید می‌شود.

جدول شماره ۹: مقایسه میانگین رتبه ابعاد آموزش خانواده در دو گروه آموزش‌دیده و آموزش‌ندیده

ردیف	ابعاد آموزش خانواده	آموزش‌دیده میانگین رتبه	آموزش‌ندیده میانگین رتبه	P	Z
۱	ارتقاء آگاهی‌های مربوط به نقش و اهمیت فعالیت‌های (هنری، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش و زبان خارجی)	۳۵/۴۷	۲۱/۹۵	۰/۰۰۰	-۵/۷۱۱۹
۲	بهبود رابطه با کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوتر، رسانه‌ها، دوربین	۴۸/۵۱	۲۰/۷۵	۰/۰۰۰	۵/۸۷۷۹
۳	مدارک تحصیلی و گواهینامه‌های معتبر	۴۶/۷۶	۲۲/۸۹	۰/۰۰۰	-۵/۰۹۴۲
۴	شیوه‌های فرزند‌پروری	۴۷/۶۸	۲۱/۷۷	۰/۰۰۰	-۵/۵۵۳۱

بر اساس آزمون مان - ویتنی با توجه به اینکه Z محاسبه شده در خصوص علاقه‌مندی خانواده‌ها به فعالیت‌های هنری، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش و زبان خارجی، بهبود رابطه با کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوتر رسانه‌ها، دوربین، مدارک تحصیلی و گواهینامه‌های معتبر مهارت و شیوه‌های فرزندپروری در سطح $P < 0.05$ معنا دار بوده است. بنابراین بین میانگین رتبه نمرات والدین آموزش دیده و آموزش ندیده در دوره متوسطه تفاوت وجود دارد و میانگین رتبه نمرات والدین آموزش دیده بیشتر از والدین آموزش ندیده بوده است. پس فرضیه شماره هشت تأیید می‌شود یعنی بین میزان تأثیر آموزش خانواده بر سرمایه فرهنگی والدین آموزش دیده و آموزش ندیده در دوره متوسطه در خصوص مؤلفه‌های ۴ گانه تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۱۰: مقایسه میانگین رتبه نمرات والدین آموزش ندیده در سطوح مختلف تحصیلی

ردیف	مؤلفه	میانگین رتبه نمرات والدین آموزش ندیده	میانگین رتبه نمرات والدین آموزش دیده	تفاوت	میانگین رتبه نمرات والدین آموزش ندیده	میانگین رتبه نمرات والدین آموزش دیده	تفاوت	میانگین رتبه نمرات والدین آموزش ندیده	میانگین رتبه نمرات والدین آموزش دیده	تفاوت
۱	ارتقاء آگاهی‌های مربوط به نقش و اهمیت فعالیت‌های (هنری، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش و زبان خارجی)	۲۳/۳۶	۲۹	۳۹/۲۰	۲۷/۴۴	۲۹	۱۹/۵۶	۳۶	۰/۲۶۲۲	۷/۶۸۳۷
۲	بهبود رابطه با کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوتر، رسانه‌ها، دوربین	۲۴/۴۳	۲۳/۵۵	۴۴	۲۷/۳۸	۲۳/۵۵	۲۵/۶۷	۲۸/۵	۰/۲۷۷۵	۷/۴۹۴۸
۳	مدارک تحصیلی و گواهینامه‌های معتبر	۲۳/۵	۲۴/۹۵	۴۴/۲	۲۷/۵۹	۲۳/۵	۲۱/۱۱	۳۷/۸۳	۰/۱۲۷۴	۹/۹۳۵۹
۴	شیوه‌های فرزند پروری	۲۲/۸۶	۲۲/۶	۴۴/۲	۲۸/۸۸	۲۲/۸۶	۱۹/۵	۳۶	۰/۲۶۲۲	۷/۶۸۳۷

بر اساس آزمون کروسکال والیس با توجه به اینکه H محاسبه‌شده در خصوص ابعاد ۱، ۲، ۳، ۵، ۶ در سطح $P < 0.05$ معنادار نیست بنابراین بین میانگین رتبه پاسخگویان آموزش‌ندیده در طبقات مختلف تحصیلی تفاوت وجود ندارد؛ اما H محاسبه‌شده در خصوص شیوه‌های فرزندپروری در سطح $P < 0.05$ معنادار است. بنابراین بین میانگین نمرات والدین آموزش‌ندیده در طبقات مختلف تحصیلی در این بعد تفاوت وجود دارد. به‌طورکلی می‌توان نتیجه گرفت بین میزان آگاهی والدین آموزش‌ندیده و طبقات مختلف تحصیلی تفاوت وجود ندارد. بنابراین فرضیه شماره نه رد می‌شود یعنی بین میزان آگاهی والدین آموزش‌ندیده و طبقات مختلف تحصیلی تفاوت وجود ندارد.

جدول شماره ۱۱: مقایسه میانگین رتبه نمرات والدین آموزش‌دیده در سطوح مختلف تحصیلی

ردیف	ابعاد آموزش خانواده	P	H	لیسانس	فوق دیپلم	دیپلم	سوم راهنمایی	پنجم ابتدایی	خواندن و نوشتن	بی‌سواد
۱	ارتقاء آگاهی‌های مربوط به نقش و اهمیت فعالیت‌های (هنری، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش و زبان خارجی)	۰/۱۵۳۲	۹/۳۸۱۳	۳۳	۲۸/۲۷	۳۰/۴۰	۲۷/۸۰	۲۰/۸۳	۲۵/۱۳	۷
۲	بهبود رابطه با کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوتر، رسانه‌ها، دوربین	۰/۲۰۲۱	۸/۵۲۵۶	۲۵/۷۵	۲۵/۵۵	۳۱/۱	۲۱/۵	۳۱/۰۶	۱۲/۲۵	۴۳
۳	مدارک تحصیلی و گواهینامه‌های معتبر	۰/۷۷۶۸	۳/۲۲۰۸	۳۴/۷۵	۲۶	۲۸/۴۵	۲۶	۲۲/۸۹	۲۸/۵	۴۱
۴	شیوه‌های فرزند پروری	۰/۲۳۰۲	۸/۱۰۹۴	۲۵/۷۵	۳۲/۱۴	۳۱/۰۲	۲۱/۷	۱۹/۵۶	۲۱/۵	۳۷/۵

بر اساس آزمون کروسکال والیس با توجه به اینکه H محاسبه‌شده در خصوص ابعاد آموزش خانواده در سطح $P < 0.05$ معنادار نیست بنابراین بین میانگین رتبه پاسخگویان آموزش‌دیده در سطوح مختلف تحصیلی تفاوت وجود ندارد. به‌عبارت‌دیگر بین میزان آگاهی

والدین آموزش دیده و سطوح مختلف تحصیلی تفاوت وجود ندارد. پس فرضیه شماره مربوطه تأیید نمی شود.

جدول شماره ۱۲: مقایسه میانگین رتبه نمرات والدین زن آموزش دیده و آموزش ندیده

ردیف	ابعاد آموزش خانواده	آموزش ندیده میانگین رتبه	آموزش دیده میانگین رتبه	Z	p
۱	ارتقاء آگاهی های مربوط به نقش و اهمیت فعالیت های (هنری، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش و زبان خارجی)	۲۲/۱۵	۳۴	۳/۱۷۵۳	۰/۰۰۱۵
۲	بهبود رابطه با کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوتر، رسانه ها، دوربین	۱۹/۳۶	۳۶/۱۸	-۳/۹۵۵۶	۰/۰۰۰۱
۳	مدارک تحصیلی و گواهینامه های معتبر	۲۳/۲۸	۳۲/۷۷	-۲/۲۴۲۴	۰/۰۲۴۹
۴	شیوه های فرزند پروری	۲۰/۱۵	۷۵/۷۳	-۰/۷۹۹۰	۰/۰۰۰۱

بر اساس آزمون مان - ویتنی با توجه به اینکه Z محاسبه شده در سطح $P < 0.05$ معنادار است بنابراین بین میانگین رتبه نمرات والدین زن آموزش دیده و آموزش ندیده در خصوص «علاقه مندی خانواده ها به فعالیت های هنری، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش و زبان خارجی، بهبود رابطه با کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوتر رسانه ها، دوربین، مدارک تحصیلی و گواهینامه های معتبر مهارت و شیوه های فرزندپروری تفاوت وجود دارد. به عبارت دیگر میانگین رتبه نمرات زن آموزش دیده بیشتر از میانگین رتبه نمرات زن آموزش ندیده بوده است. بنابراین بین میزان تأثیر آموزش خانواده بر تغییر رفتار والدین زن آموزش دیده و آموزش ندیده در خصوص ابعاد شش گانه تفاوت وجود دارد. بنابراین فرضیه مربوطه تأیید می گردد.

جدول شماره ۱۳: مقایسه میانگین رتبه نمرات والدین مرد آموزش دیده و آموزش ندیده

ردیف	ابعاد آموزش خانواده	آموزش ندیده میانگین رتبه	آموزش دیده میانگین رتبه	Z	p
۱	ارتقاء آگاهی های مربوط به نقش و اهمیت فعالیت های (هنری، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش و زبان خارجی)	۲۰/۰۳	۳۵/۴۲	۲/۹۲۸۸	۰/۰۰۰۱
۲	بهبود رابطه با کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوتر، رسانه ها، دوربین	۱۹/۹۷	۳۵/۵	-۳/۸۷۸۳	۰/۰۰۰۱
۳	مدارک تحصیلی و گواهینامه های معتبر	۲۱/۵۰	۳۳/۶۵	۲/۹۸۹۶	۰/۰۰۲۸
۴	شیوه های فرزند پروری	۲۰/۴۳	۳۶/۹۴	-۳/۵۵۳۱	۰/۰۰۰۴

بر اساس آزمون مان - ویتنی با توجه به اینکه Z محاسبه شده در سطح $P < 0.05$ معنادار است بنابراین بین میانگین رتبه نمرات والدین مرد آموزش‌دیده و آموزش‌ندیده در خصوص « علاقه‌مندی خانواده‌ها به فعالیت‌های هنری، موسیقی، خط و نقاشی، ورزش و زبان خارجی، بهبود رابطه با کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه، کامپیوتر رسانه‌ها، دوربین، مدارک تحصیلی و گواهینامه‌های معتبر مهارت و شیوه‌های فرزندپروری، تفاوت وجود دارد. به عبارت دیگر میانگین رتبه نمرات مرد آموزش‌دیده بیشتر از میانگین رتبه نمرات مرد آموزش‌ندیده بوده است. بنابراین بین میزان تأثیر آموزش خانواده بر سرمایه فرهنگی والدین مرد خانواده آموزش‌دیده و آموزش‌ندیده در خصوص مؤلفه‌های ۴گانه سرمایه فرهنگی، تفاوت وجود دارد. بنابراین فرضیه تأیید می‌گردد.

جهت بررسی این سؤال که آیا میزان موفقیت تحصیلی فرزندان با سبک‌های مختلف تربیتی پرورش‌یافته‌اند متفاوت است، از روش تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود الگوهای فرزند پروری مختلف تفاوت معناداری در سطح $P < 0.01$ بین موفقیت تحصیلی فرزندان ایجاد کرده است. برای تعیین جایگاه تفاوت‌ها از آزمون تعقیبی توکی بهره گرفته شد. نتایج نشان داد که بین شیوه فرزند پروری سهل گیر با شیوه فرزند پروری قاطع، اطمینان‌بخش و بین شیوه فرزند پروری مستبد با شیوه فرزند پروری مستبد با شیوه فرزند پروری قاطع و اطمینان‌بخش تفاوت معناداری وجود دارد. ولی بین شیوه فرزند پروری سهل گیر با شیوه فرزند پروری مستبد تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین، نتیجه گرفته شد که بیشترین میزان موفقیت تحصیلی در بین فرزندان دیده می‌شود که مطابق سبک قاطع و اطمینان‌بخش تربیت می‌شوند و کمترین میزان موفقیت تحصیلی در بین فرزندان دیده شد که مطابق سبک مستبد یا سهل گیر تربیت می‌شوند.

جدول شماره ۱۴. تحلیل واریانس، برای مقایسه میزان موفقیت تحصیلی فرزندان با الگوی فرزند پروری

الگوهای فرزند پروری	نمره موفقیت تحصیلی	F میزان	سطح معناداری	جایگاه تفاوت، بر اساس آزمون توکی
سهل گیر	۱۶/۸۱	۱۷۶/۶۴۵	۰/۰۰۰۱	
مستبد	۱۶/۹۳			
قاطع و اطمینان	۱۸/۹۴			

بحث و نتیجه‌گیری

آموزش خانواده در شکل و سامان دادن به رفتارهای موردنیاز آنان مؤثر است و ابزارهای لازم برای مواجهه با شرایط و موقعیت‌های مختلف در تربیت فرزندان را در اختیار والدین قرار می‌دهد. یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها به شرح زیر است:

بر اساس یافته‌های پژوهش برنامه‌دستی آموزش خانواده بر سرمایه فرهنگی خانواده و موفقیت تحصیلی فرزندان آن‌ها مؤثر بوده است. این نتیجه با پژوهش اسدی (۱۳۷۹) که رابطه معنادار بین آموزش خانواده و ارتقای آگاهی‌ها و دانسته‌های تربیتی والدین و شیوه‌های مناسب روابط خانوادگی را تأیید کرده و کریم پور (۱۳۸۲) مبنی بر اینکه بیشترین مشکلات دانش‌آموزان دبیرستانی را مربوط به خانواده دانسته‌اند و تأثیر مثبت شرکت والدین در جلسات آموزشی در پیشگیری و کاهش مشکلات تأیید شده، نیز همسو بوده است. همچنین با نتیجه پژوهش عبادی و معتمدین (۱۳۸۵) که تأثیر آموزش را بر شیوه‌های فرزندپروری و روابط صحیح و سلامت روانی خانواده تأیید کرده‌اند و با یافته‌های پژوهش مزاروس و همکاران (۲۰۰۲)، کریستین سون و همکاران (۲۰۰۳) و لورین و همکاران (۲۰۰۴)، همسویی دارد. در تبیین این نتیجه به نظری رسد که اطلاع والدین از روش‌های سرمایه‌گذاری فرهنگی در خانواده برای رشد سرمایه فرهنگی، سبب می‌شود که در رفتارهای خود تجدیدنظر کرده و روش‌های مؤثر سرمایه‌گذاری را در خانواده خود در پیش بگیرند. از این طریق می‌توانند فضای فرهنگی را غنا بخشیده و ضمن تأمین موفقیت تحصیلی برای فرزندان، فرایند رسیدن به داشتن خانواده‌ای موفق را تسهیل کنند. نتایج نشان داد که بین شیوه فرزند پروری مقتدرانه و پیشرفت تحصیلی رابطه معنی‌دار وجود دارد (فرضیه اول) همچنین محاسبات نشان داد بین درآمد و تحصیلات والدین و پیشرفت تحصیلی فرزندان آن‌ها رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد اما بین درآمد و تحصیلات والدین و شیوه‌های فرزند پروری رابطه‌ای مشاهده نشد. همان‌گونه که گفته شد در بررسی فرضیه اول رابطه معنی‌داری بین شیوه فرزند پروری و پیشرفت تحصیلی مشاهده شد. این یافته با نتایج بامریند (۱۹۹۱) که به این مسئله

اشاره می‌کند که کودکان والدین قاطع و اطمینان‌بخش هم در مهارت‌های شناختی و هم در مهارت‌های اجتماعی در سطح نسبتاً بالایی قرار می‌گیرند و در نوجوانی مطمئن، روبه ترقی و از نظر اجتماعی باکفایت بودند و همچنین نتایج تحقیقات کوریدو، وارنرو ایبرگ^۱ (۲۰۰۲) اکوتلینو وسایل (۲۰۰۱) و گلامبوس وهمکاران (۲۰۰۳) معتمدی (۱۳۸۷) که نشان دادند سبک‌های فرزند پروری مقتدر با سازمان‌دهی، پیشرفت تحصیلی و جهت‌گیری عقلانی رابطه مثبت دارد همخوانی دارد. همچنین با تحقیقات دورنبوش وهمکاران (۱۹۸۷) که پی بردند شیوه‌های والدینی "سلطه‌گرانه" و "آزادمنشانه" با پایه‌های بالاتر رابطه منفی داشته درحالی‌که شیوه والدینی "مقتدرانه" با پایه‌های بالاتر رابطه مثبت داشته همخوانی دارد. تبیینی که برای این پاسخ می‌توان ارائه نمود این است که در طول چند دهه پژوهش، نشان داده‌شده که اقتدار والدین با گستره‌ای از شناخت و نتایج اجتماعی عاطفی مثبت، مرتبط بوده به‌عنوان مثال شیوه والدینی مقتدرانه با "پیشرفت تحصیلی بهتر" (شوارتز ووس، ۱۹۹۶. ویترویافی، ۲۰۰۰، با "انطباق بهتر" (نگرانی روان‌شناختی کمتر، مشکلات رفتاری کمتر، ارتباط بهتر با همسالان (فلوگنی واکلس، ۱۹۹۳ سلیکر، ۱۹۹۸) سطح بالاتر شایستگی، عزت‌نفس بالاتر، استقلال و اعتمادبه‌نفس بیشتر (بامریند، ۱۹۸۳) مرتبط بوده است همچنین در مورد نبود رابطه بین مؤلفه‌های خانواده و شیوه‌های فرزند پروری باید گفت سبک‌های والدینی در خانواده‌های مختلف متفاوت است و مشاهده‌شده است که در بسیاری از خانواده‌هایی که از نظر اقتصادی و فرهنگی در سطح پایینی هستند شیوه‌های تربیتی مناسبی را در مورد فرزندان خود اعمال نمودند و بالعکس. و اینکه چه شیوه تربیتی مناسب است در فرهنگ‌های مختلف و دوره‌های مختلف متفاوت بوده است.

این یافته با نتایج پژوهش معتمدی (۱۳۸۷) که نشان داد بین برخی عوامل بوم‌شناختی از قبیل سن والدین، تحصیلات پدر و شیوه‌های والدینی رابطه‌ای وجود ندارد همخوان است. همچنین با

تحقیقات جرج (۲۰۰۴) که اشاره نمود بین شیوه والدینی و جنس والدین و همین‌طور جنس کودکان رابطه‌ای مشاهده نشد همخوان است.

در رابطه با بررسی تفاوت بین مؤلفه‌های خانواده با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان که نتایج به‌دست‌آمده تفاوت بین میزان درآمد خانواده، سواد پدر و سواد مادر با پیشرفت تحصیلی را تأیید و تفاوت بین سن پدر و مادر و اندازه خانواده با پیشرفت تحصیلی را تأیید نمی‌کند نتایج به‌نوعی با تحقیقات کالمن و همکارانش (۱۹۹۶) (بولس، ویلی و فیکرو، کارویت) که نقش وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده به‌عنوان عامل مسلط را در پیشرفت تحصیلی فرزندان مورد تأکید قرار داده‌اند، فخر زارعی (۱۳۸۰) که به این نتیجه رسید هر چه سطح تحصیلات بالاتر باشد انگیزش پیشرفت افزایش می‌یابد و همچنین با نتایج پژوهش معتمدی (۱۳۷۵) که عنوان کرده است سن والدین تأثیری بر پیشرفت تحصیلی فرزندان ندارد همخوان است. تبیینی که می‌توان در مورد این یافته‌ها ارائه داد این است که با توجه به اینکه این پژوهش در مناطق روستایی و دورافتاده صورت گرفته که تعداد اعضای خانواده‌ها با توجه به بافت فرهنگی و مذهبی منطقه بالا و در صد زیادی (۳۶٪) از افراد نمونه متعلق به خانواده‌های ۷ تا ۸ نفری هستند نتیجه قابل دفاع و توجیه‌کننده است

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده مدل متناسب با شیوه مقتدرانه مدل اثربخشی برای غنی‌سازی خانواده‌ها است. بر این اساس آموزش و آگاهی اولیاء در این زمینه ضروری است به اولیاء شیوه مقتدرانه برخورد با فرزندان آموزش داده شود و بر نقش آگاهی و سواد در تربیت فرزندان تأکید شود والدین باید انتظارات و توقعات معقول و منطقی و در حد توان فرزندان از آنها داشته باشند که این امر باعث به وجود آمدن عزت نفس و خود پنداره بالا در آنها می‌شود. بر این اساس چنانچه اولیا قادر باشند افکار و احساسات خود را با افکار و احساسات نوجوان خود همسو کنند و انطباق دهند، می‌توانند آنها را درک کنند. چنین درکی باعث می‌شود تا آنها با درایت به

در جست‌وجوی مدل برنامه‌دستی برای رشد...

برخورد با نوجوان خود بپردازند و از پیش‌داوری‌های گوناگون نسبت به اعمال و رفتار فرزندان خود به‌موقع جلوگیری کنند و برخوردهای متناسب با آن‌ها طرح‌ریزی کنند.

پیشنهادها

در تحقیقات آینده نقش متغیرها در دوره‌ها و جنس‌های مختلف بررسی شود و به‌منظور حصول نتایج دقیق‌تر از آزمون‌های استاندارد برای میزان پیشرفت تحصیلی استفاده شود. همچنین شیوه‌های فرزند پروری در امور، تحصیلی، شغلی، مسائل خانوادگی و سلامت روان از حوزه‌های مهم و کاربردی است که باید در پژوهش‌های آتی موردتوجه قرار گیرد. همچنین تجدیدنظر در برنامه‌های آموزش خانواده تا آن‌ها بتوانند با سرمایه‌گذاری روی سرمایه فرهنگی خانواده خود، فضای فرهنگی خانواده را غنا بخشیده، موفقیت تحصیلی فرزندان خود را تسهیل کنند. از این طریق فرزندان نیز، اعتمادبه‌نفس و انگیزه‌های قوی‌تری برای پیشرفت و موفقیت در همه عرصه‌های زندگی خود خواهند داشت.

فهرست منابع

- ابراهیم‌زاده پارسایی، ملیحه (۱۳۸۷) "مقایسه سبک‌های فرزند پروری والدین مذهبی و غیرمذهبی" پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی
- اسدی، شهرام (۱۳۸۷). بررسی تأثیر آموزش خانواده بر تغییر رفتار والدین نسبت به فرزندان خود، ماهنامه علمی آموزشی تدبیر، شماره ۱۵.
- اسفندیاری، غلامرضا (۱۳۷۴) بررسی شیوه‌های فرزندپروری مادران مبتلا به اختلالات رفتاری و مادران کودکان بهنجار و تأثیر آموزش مادران بر اختلال رفتاری کودکان، پایان‌نامه فوق‌لیسانس، انستیتو روان‌پزشکی تهران.
- اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۷). درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر، حسن پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم.
- اعزازی، شهلا (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: انتشارات روشنگران.

- بوردیو، پیر (۱۳۸۱). نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- بوردیو پی (۱۳۷۷). ذوق هنری و سرمایه فرهنگی ترجمه لیلی مصطفوی نامه فرهنگ ش ۳۰۰.
- بالیس، کرسوفر (۱۳۸۰) ذهنیت نسلی (دیدگاهی روانکاوانه درباره نسل‌ها): ترجمه حسن پاینده، فصلنامه فلسفی، ادبی، فرهنگی ارغنون شماره ۱۹، زمستان ۱۳۸۰، ص ۱ الی ۲۹.
- برجعلی، (۱۳۷۸) رابطه الگوهای فرزندپروری والدین با تحول روانی - اجتماعی فرزندان، رساله دکتری، رشته روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی..
- پورزارعیان، ناصر؛ بررسی وضعیت اقتصادی و فرهنگی خانواده‌های جوانان در میزان سرمایه فرهنگی و اجتماعی آنان (مطالعه موردی در شهر تبریز) پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- پروین، لارنس ای (۱۳۷۴) روانشناسی شخصیت (نظریه و تحقیق). ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور: تهران. موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: انتشارات شیرازه
- توسلی، غلامعباس، مرضیه موسوی، (۱۳۸۴)، مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶
- ثنائی، باقر (۱۳۷۸). نقش « خانواده‌های اصلی » در ازدواج فرزندان، فصلنامه علمی-پژوهشی انجمن مشاوره ایران، بهار و تابستان، جلد ۱، شماره ۲.
- خدایی، ابراهیم (۱۳۸۵). بررسی رابطه سرمایه اقتصادی و فرهنگی والدین دانش آموزان با احتمال قبولی آن‌ها در آزمون سراسری، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال اول، شماره ۴.
- دلاور، علی، (۱۳۸۱) روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، تهران، موسسه نشر ویرایش
- رضائی، محمد (۱۳۸۴). تبیین رابطه سرمای فرهنگی با هویت جوانان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی
- سیدمن، استیون (۱۳۸۸). کشاکش آراء در جامعه‌شناسی، هادی خلیلی، تهران، نشر نی، چاپ دوم.
- سمیعی، زهره (۱۳۷۹). تأثیر سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده بر روی موفقیت‌های تحصیلی و شغلی فرزندان در تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.

در جست‌وجوی مدل برنامه‌درسی برای رشد...

- سپهر، مهدی (۱۳۹۰). بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با موفقیت تحصیلی (مطالعه موردی دانش‌آموزان مقاطع راهنمایی و متوسطه شهرستان جوین)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران
- سفیری، خدیجه، راضیه آراسته و مرضیه موسوی، ۱۳۸۹، تبیین رابطه میزان سرمایه فرهنگی زنان شاغل با نوع روابط همسران در خانواده، مجله زن در توسعه و سیاست، دوره هشتم، شماره یک.
- سوارتز، دیوید (۱۳۸۸). خصوصیات اصلی جامعه‌شناسی فرهنگ، ترجمه شفیع صالحی، فصلنامه اقتصاد سیاسی، شماره دهم.
- شارع پور، محمود، و غلامرضا خوش‌فر (۱۳۸۱). رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان در شهر تهران، مجله علوم اجتماعی شماره بیست.
- عبادی، غلامحسین و مختار معتمدین، (۱۳۸۵) بررسی رابطه ولی - فرزندی، ابراز وجود و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر شهر تبریز، فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن مشاوره ایران، جلد ۶ شماره
- عبدلی پور و همکاران، (۱۳۸۷) ارتباط بین شیوه‌های فرزندپروری مادر و فرزندپروری ادراک شده با مکان کنترل و خودپنداره فرزندان، دانش و پژوهش در روانشناسی، شماره ۳۷، ص ۱۲۸
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی، قم: انتشارات صبح صادق.
- فراهانی، ابوالفضل و فردانش (۱۳۸۰). مقایسه عملکرد تحصیلی دانشجویان تربیت‌بدنی در دو نظام آموزش از راه دور و حضوری، مجله علمی پژوهشی، پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی شماره ۲۱ و ۲۲ پیاپی
- فونتن، اولیویه و کریستین شویره (۱۳۸۵) واژگان بوردیو، مترجم مرتضی کتبی، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- قاسمی، وحید و همکاران (۱۳۸۸). تعیین‌کننده‌های ساختاری و سرمایه‌ای سبک زندگی سلامت محور، مجله مسائل اجتماعی ایران، سال ۱۶، شماره ۶۳.
- کلاین برگ، اتو (۱۳۷۲). روانشناسی اجتماعی. ترجمه علی محمد کاردان، تهران: نشر اندیشه، جلد دوم.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه‌های جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی

- کریم پور، احمد (۱۳۸۲) بررسی دیدگاه اولیای دانش آموزان دوره متوسطه شهرنایین درباره مشکلات ارتباطی آنان با یکدیگر، پایان نامه کارشناسی ارشد، سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان.
- گیدنز، آنتونی. ۱۳۸۳. جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشرنی
- لطف آبادی، حسین (۱۳۸۱) رشد و تغییرات تفکر در نوجوانی و جوانی، سازمان ملی جوانان، تهران، انتشارات نسل سوم.
- معتمدی، عبدالله (۱۳۸۷)، "بررسی شیوه‌های والدینی و تأثیر آن بر تحصیلات فرزندان، مجله علمی-پژوهشی روان‌شناسی، شماره ۴، صص ۳۸۳-۳۷۰
- مینوچین سالوادور (۱۳۷۵) خانواده و خانواده‌درمانی، ترجمه: باقر ثنائی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.
- نوغانی، محسن (۱۳۸۲). تأثیر نابرابری سرمایه‌های فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان پیش‌دانشگاهی در دستیابی به آموزش عالی، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۹۱.
- نوغانی، محسن (۱۳۸۲). آموزش و پرورش و بازتولید فرهنگی، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره.
- نوایی نژاد، شکوه (۱۳۷۰). مبانی رفتار، نشریه: روان‌شناسی و علوم تربیتی « پیوند » بهمن ۱۳۶۹ - شماره ۱۳۶
- وکیلان، سید آرش (۱۳۸۷). سرمایه فرهنگی و چگونگی استفاده از اینترنت در دانشجویان ساکن خوابگاه (بامطالعه موردی کوی دانشگاه)، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- وکیلان، سید آرش (۱۳۸۷). سرمایه فرهنگی و چگونگی استفاده از اینترنت در دانشجویان ساکن خوابگاه (بامطالعه موردی کوی دانشگاه)، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- ین شیر، کریستی و فونتن، اولیویه (۱۳۸۵). واژگان بوردیو، مرتضی کتبی، تهران، نشر نی، چاپ اول.
- Aquilino, W.S. & Supple, A.J. (2001). Long-term effects parenting practices during adolescence on well-being :outcomes in young adulthood. *Journal of family issues*, 22 (3), 289-308.
- Baumrind, D (1991) Current patterns of parental authority. *Developmental psychology Monographs*, 4, 1-101

- Berndt, t.j (1997). child Development. London Haroout, Brace Jovanovich. Brier, j. Elliot, D (2003) prevalence and psychological sequel of self report childhood psychological and sexual and in a general populations amole of menand women child abuse and neglect vol27,iss10.pages 1205-122.
- Bourdieu, pierre and J.C.passeron, (1990), Reproduction in Education, Society, and Cultural, Sage publications Inc.
- Bourdieu, pierre and J.C.passeron, (1990), Reproduction in Education, Society, and Cultural, Sage publications Inc.
- Cahng, sang-soo (2003) "Patterns and Changes of Educational Attainment in Korea, Sunchon National University
- Cahng, sang-soo (2003) "Patterns and Changes of Educational Attainment in Korea, Sunchon National University
- Christenson, Sandra.jane, Conoley and other practioners.(2003). Pareducation, website development center for information technology impacts children.
- De Graaf, Paul M & De Graaf Nan Dirk (2002) "Cultural and economic
- Dimaggio, 1982, crook 1997, de graaf°raaf and kreaykamp ,2000
- Dimensions of family Background and Educational De Cissions
- Dobbines, B. (2006). Lation adolescents' perceptions of parenting style, locus of contro and school climate. Dissertation. Www. Proquest.com
- Elliot B, Weininger & Annette Lareau (2007) , Cultural Capital in Educational Reaserch :a Critical Assessment. Theory and Society
- Hornby, G. (1994). counseling in child disability. London: chapman and hall.
- Hornby, g. (2000). improving parental involvement. London: cassell.
- Lamborn, S.D and et.al. (1991). Patterns of competence and adjustment among adolessens from authoritative and authoritarian and neglectful Families. Adolesnt
- Lilly withe, H.S. & BRRADLY, d.p. (1996). Communication problems in mental retardation. New York: Harper and row.
- Lareau, A. Weninger, E.B. (2003). Cultural capital in educational research: a critical assesment. Theory and socity. 32: 267-606

- Maccoby, E, MARTIN, J. (1992) socialization in context of the family parents.child interaction. In. 66-EM, Hetherington (ED) p.h. mussen Lseriesed, Hanbook of child psychology.vol4 *SOCIALIZATION*. Personality and social Development (pp-11_14) New York :wiley.
- Major bank, Kevin (1996), Family Learning Enviromentsans Students, outcomes: AReview. journal of comparative family Studies27(2)
- Majorbank,kevin(1996),FamilyLearning Enviromentsans Students ,outcomes:AReview.journal of comparative family Studies27(2)
- Maslen,Jeffrey(1995)Study Finds Class Division in Access to Australian Higher Education ,The Chronicof Higher Eduction,Vo:63,No:3
- Maslen,Jeffrey(1995)Study Finds Class Division in Access to Australian Higher Education ,The Chronicof Higher Eduction,Vo:63,No:3
- Mendenhall, T.j. (1996).The effectiveness of family intervention for psysical disorder.jornal of marital and family, 29.
- Mezaros, S.Melissa-chase. (2002).Bonnie-granam, Gloria-bird, parent education, website development center for information technology impacts on children.
- Netherlands”, Spring meeting of ISA Research on social stratifications Nijmean University
- Satier, V. (1997).The people making. Mountain view ,California : Science behavior books.inc
- Siu Wah, Cahn (1998), “explaining education success with special reference to Bourdieu’s theory of cultural capital”, dissertation for the degree of master of education, Hong Kong University.
- Sullivan, Alice (2001) “cultural capital and educational attainment Sage journals of sociology, vol.35, no,4
- Sullivan, Alice(2003) Cultural Capital, Rational Choice and Educational Inequalities ,August 30,
- Weinger, Annette (2006) Cultural capital, University of Maryland, College Park